

۳۶۲ جوان عربستانی که به داعش پیوستند، چه خصوصیاتی داشتند

اعضای سعودی داعش



عربستان آموزش دینی در همه مراحل تحصیلی پیش از دانشگاه وجود دارد. ازاین‌رو سعودی‌ها قرآن، تفسیر، فقه و حدیث را در کنار دروس عمومی خود می‌آموزند؛ اما عجیب این است که ۵۰ درصد از کسانی که از عربستان به داعش پیوسته‌اند، سطح دروس دینی خود را کم، ۳۰ درصد متوسط، شش درصد بالای متوسط بیان کرده و ۱۴ درصد نیز آن را در پرش‌نامه‌ها تعیین نکرده‌اند.

«عبدالله المالکی»، پژوهشگر سعودی از این آمارها تعجبی نمی‌کند و می‌گوید کاملاً با اهداف داعش انطباق دارد زیرا آنها به دنبال کسانی بودند که شناخت دینی‌شان اندک باشد تا بتوانند او را تحت تأثیر قرار داده و آنها را به جایی برسانند که حاضر باشند خود را فدا کنند. المالکی درباره آموزش دینی این افراد در مقایسه با آموزش دینی در عربستان می‌گوید دانش شرعی در نظر این‌گونه گروه‌ها معنایی متفاوت با دیگران دارد زیرا این گروه‌ها برای مثال فارغ‌التحصیلان مدارس دولتی عربستان را افرادی «عوام» توصیف می‌کردند. به گفته المالکی، دشمن اصلی گروه‌های مانند داعش کسانی هستند که معارف دینی خوبی داشته باشند زیرا چنین افرادی می‌توانند «درباره ایدئولوژی این تشکیلات طرح سؤال یا از آنها انتقاد کنند».

همین امر نشان می‌دهد که چرا تعداد «طلاب»ی که به این گروه پیوسته‌اند، بیشتر از ۲۲ نفر یعنی به میزان شش درصد نمی‌رسد. این آماری است که از تحلیل محتوای پرسش‌نامه‌ها به دست می‌آید.

برعکس، گروه وسیعی از آنها جزء افراد معمولی هستند. المالکی در مقابل کسانی که خواستار کاستن از حجم دروس دینی برای مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم در عربستان هستند، می‌گوید «حجم دروس شرعی و توسعه و ارتقای آن یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مقابله با افراط‌گرایی است». او می‌افزاید «کسی که دانش دینی داشته باشد، در بحث‌ها معتدل است و کمتر تسلیم می‌شود؛ حال آنکه راحتم می‌شود کسانی را به بازی گرفت که این دانش را ندارند». المالکی می‌گوید: «اکثر طلاب علوم دینی به وسیله علمای سنتی آموزش دیده‌اند. آنها اکثراً افرادی غیرسیاسی هستند و به دنبال گفتمان خشنی بر ضد جامعه نمی‌روند. از این گذشته آنها اهل فکر هستند».

«جمال خاشقجی»، نویسنده و تحلیلگر سعودی، نیز با این نظر موافق است و می‌گوید اکثر کسانی که به داعش پیوستند، تحصیل درستی نکرده یا از تحصیل علوم دینی باز مانده‌اند. «سلطان العامر» که یک پژوهشگر در حوزه علوم سیاسی است، نیز می‌گوید افراد ملحق‌شده به داعش، اکثرشان از فارغ‌التحصیلان علوم جدید هستند و به‌خصوص بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر به این راه کشیده شده‌اند. العامر می‌افزاید: این آمارها تا حد زیادی این تردید را به میان می‌کشد که چه ارتباطی بین مایهت‌رشی‌های تحصیلی عربستان با ملحق‌شدن جوانان این کشور به گروه‌های افراطی وجود دارد و بنابراین چه چیزهایی را باید تغییر داد.

سن، وضعیت و تاهل

پرسش‌نامه‌های مربوط به اعضای سعودی داعش نشان می‌دهد به لحاظ تحصیلی، دارندگان دیپلم در بین آنها رتبه اول را دارد (۵۴ درصد). حال آنکه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (۳۷ درصد) و دارندگان مدارک ابتدایی و متوسطه اول (هفت درصد) و کسانی که مدرک تحصیلی خود را تعیین نکرده‌اند، دو درصد ذکر شده است.

جالب اینکه این آمارها با سطح عمر افراد نیز تناسب دارد. زیرا کسانی که سنشان بین ۲۰ تا ۳۰ بوده شامل ۷۸ درصد است که تقریباً با همان دوران تحصیلی تناسب دارد و از دیپلمه‌ها تا پایان دوران تحصیلات دانشگاهی را شامل می‌شود. رتبه دوم متعلق به کسانی است که سنشان بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده و تقریباً ۱۵ درصد را شامل می‌شوند. در رتبه سوم نیز کسانی قرار می‌گیرند که سنشان هنوز به ۲۰ سال نرسیده (چهار درصد) و درصدهای باقی‌مانده نیز به

کسانی تعلق دارد که عمرشان فراتر از ۴۰ سال باشد. یک کارشناس سعودی متخصص در علوم اجتماعی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، می‌گوید تناسب هماهنگ بین آمارهای آموزشی و سن افراد بیانگر تناسب بین این دو سطح بوده و تشابه افراد ملحق‌شده به لحاظ سنی و تحصیلی را نشان می‌دهد. خاشقجی اما می‌گوید وقتی سطح تحصیل‌کردگان دانشگاهی و دبیرستانی در این تشکل به ۹۱ درصد برسد «این نکته را رد می‌کند که اعضای این گروه افراد بی‌سوادی هستند».

مطابق با پرسش‌نامه‌های موجود، ۱۱ نفر از اعضای سعودی این تشکیلات پیش‌تر در آمریکا و اروپا تحصیل کرده‌اند. هر چند به گفته آمارهایی که هست اکثرشان تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها کرده و به داعش پیوسته‌اند.

نکته مهم دیگری که در این رابطه وجود دارد، این است که ۸۱ درصد از سعودی‌های پیوسته به داعش زیر ۳۰ سال داشته‌اند. «احمد العوفی» که یک پژوهشگر علوم اجتماعی است، می‌گوید: «مطالعات مربوط به جنبش‌های اجتماعی از جمله مطالعات «مک آدم» درباره جنبش‌های مدنی ایالات متحده آمریکا، نشان می‌دهد گروه‌های جوان و مجرد در بین بخش‌های مختلف یک جامعه از همه بیشتر آمادگی ورود به عرصه‌های سیاسی را دارند. آنها چه به صورت مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار خواستار تغییر وضعیت موجودی هستند که در آن به سر می‌برند».

پرسش‌نامه‌های مربوط به اعضای داعش نشان می‌دهد ۷۶ درصد از آنها مجرد و تنها ۱۷ درصد از آنان متأهل بوده‌اند و هفت درصد نیز وضعیتشان از اعلام نکرده‌اند. به گفته العوفی، این وضعیت حجم جوانان مجرد عضو داعش را نشان می‌دهد. زیرا جوانان انگیزه‌های بیشتری داشته و در مقابل کمتر تسلیم قیودنهای خانوادگی می‌شوند. به گفته او «جوانی که مانع اجتماعی جلوی خود نمی‌بیند، مثل خانواده‌ها که نیاز به تأمین مایحتاج خود دارند یا نسبت به اقوام تعهداتی دارند یا درگیر فعالیت‌های اقتصادی شخصی نیستند، بیشتر می‌تواند چنین تصمیمی را گرفته و بدون محاسبه این موارد دست به اقدامی بزند».

العوفی این موضوع را رد می‌کند که مسئله فقط میل به داشتن سلاح باشد یا اینکه چنین افرادی از آگاهی اندکی برخوردار باشند. او می‌افزاید: «جوانان بیش از هرکسی مایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مثبت یا منفی هستند. این یک یک میل غریزی است که در جنبش‌های مسالمت‌آمیز به بار می‌نشیند اما در حرکت‌های تخریبی مصیبت‌آفرین می‌شود. نباید پنداشت جوانان در این رابطه آگاهی اندکی دارند یا فریب خورده‌اند».

مهم‌ترین انگیزه

پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد تعداد شاغلان و دانشجویان در بین افراد پیوسته به این‌ گروه بیش از افراد بی‌کار است. میزان کارمندان شاغل به ۴۶ درصد و میزان افراد بی‌کار به ۲۴ درصد می‌رسد. در این میان دانشجویان ۲۶ درصد و کسانی که وضعیت شغل‌شان را معین نکرده‌اند، چهار درصد برآورد شده است. بخش خصوصی نیز چهار درصد بیش از بخش دولتی بوده است.

«جمال خاشقجی» می‌گوید در بین کسانی که به داعش پیوسته‌اند انگیزه‌های «ایدئولوژیک جهادی» قوی‌ترین محرک است. جوانان سعودی در این رویکرد نوعی اجرای مفاهیم دینی را مشاهده می‌کنند. او نیز تأیید می‌کند اکثر پیوستگان به داعش دارای شغل بوده‌اند و اگر به داعش پیوسته‌اند به دنبال یک آرمان برای تشکیل یک دولت اسلامی بوده‌اند. «سلطان العامر» نیز عوامل اقتصادی را رد می‌کند و می‌گوید: «دلیل پیوستن افراد به داعش از اساس سیاسی است». او می‌افزاید: «از زمان ارسطو معروف است که گفت انسان یک حیوان سیاسی است. یعنی به لحاظ مایهت جوری ساخته شده که به مسائل

ادامه از صفحه ۹

رادیکالیسم اسلامی و ناگفته‌ها از داعش

...چراکه ناگزیر از اطاعت محض از خلافت اسلامی هستند. دوم آنکه آنان برای این کار انتخاب شده‌اند و سرپیچی‌کردن مساوی با تیرباران است و اما مسئله مهم، نحوه عملیات انتحاری آنهاست؛ یعنی افرادی که ماشین یا وسایل انتحاری را به سمت محل انفجار می‌برند، محکوم به جیس در آنها هستند و تمام قسمت‌های این ماشین‌ها به وسیله دستگاه‌های جوشکاری، جوش داده می‌شوند تا این افراد در حین راه پشیمان نشوند. همچنین افرادی که برای عملیات‌های انتحاری انتخاب می‌شوند، ناچار به خودانتحاری خواهند بود و بازگشت آنها به هیچ صورت برای داعش امکان‌پذیر نیست و حتماً باید خود را در میان به زعم آنها «کافرن» منفرج کنند.

تاکتیک و جنگجویی مدرن: هنگامی که در جبهه‌های جنگ سوریه و عراق بودم، تاکتیک جنگی و نحوه آرایش نظامی و استفاده از زمین برای نبرد، توجه مرا جلب کرد. شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات داعش در سه سال گذشته، استفاده از تونل‌ها بوده است. **فضای رسانه‌ای:** داعش یک تفکر وایس‌گرای سنتی محض نیست که با مظاهر مدرنیته دشمنی داشته باشد، بلکه این گروه یک سازمان پیچیده تروریستی و متخصص در استفاده از فناوری‌های روز است. این‌ گروه برخلاف تکثیر همه مظاهر غرب اما با بهره‌گیری از همه فنون آنها توانسته سطحی از ترس و آشفنگی را در جامعه منتشر و در ابتدا با همین حربه، زمین‌وسعی را اشغال کند و همچنین به وسیله رفتار خود همه رسانه‌های جهان را به نحوی در راستای شقاوت خود به‌کار بگیرد تا هر کسی به نحوی به حجیم‌شدن این جریان تندرو کمک و خدمت کند.

اما قاعدتاً داعش یک دوران اوج می‌کند. این دوران افول دارد، دوران اوج آن مصادف با اختلافات سیاسی در سطح منطقه و جهان در مورد نحوه اداره منطقه و اختلاف قدرت‌های ملی با قدرت‌های فراملی در زمینه چگونگی برخورد با این گروه تروریستی بود. داعش اساساً گروهی نیست که از نقطه صفر شروع کرده باشد، بلکه قسمت تکمیلی ورژن پیشرفته از مزجی‌های داعش است. این گروه هدفش «تصحیح مفاهیم و احیای دوباره و ادغام کسانی در جامعه» است که روزی تفکراتی تند و افراطی داشتند. مرکز به استفاده‌کنندگان برنامه مفصلی می‌دهد که بر بحث‌های شرعی با روحانیون و متخصصان علوم اجتماعی متکی است تا به این وسیله بازداشت‌شدگان بتوانند اعتماد به نفس خودشان را بازایانند و دوباره شایستگی ورود مجدد به جامعه را پیدا کنند. حدود ۲۲۰ دانشگاهی فارغ‌التحصیل علوم شرعی، روان‌شناسی، اقتصادی و سیاسی با این مرکز همکاری می‌کنند.

آنها در فضای اینترنت نیز به قول خودشان سعی می‌کنند «مفاهیم درست را طرح و با افکار انحرافی مقابله» کنند. این‌ مرکز چهار هدف را نصب‌العین خود قرار داده است که در مقابله با افکار و روش‌های خشونت‌آمیز و افراط‌گرایی و نیز ترویج شیوه‌های میانه و اعتدال‌گرایانه خلاصه می‌شود. از دستاوردهای این مرکز این است که تاکنون توانسته از بین سه‌هزار و ۲۵۰ نفر حدود هزار و ۵۰۰ نفر را بازبروری کرده و تفکرات‌شان را اصلاح کند. به‌علاوه توانسته است تاکنون ۳۰۰ موضوع علمی را برای بحث و بررسی مطرح کند و به کسانی که مایل باشند تفکرات افراطی را مطالعه کنند تسهیلاتی ارائه دهد. این مرکز می‌گوید تاکنون ۱۵ رساله علمی دانشگاهی در این‌باره تألیف کرده است.

جالب اینکه آمارها نشان می‌دهند ۵۰ درصد از کسانی که در این مرکز وضعیت‌شان بررسی شده است متعلق به کشورهای حوزه خلیج‌فارس هستند. حال آنکه ۳۰ درصد آنها از سایر کشورهای عرب و اسلامی نیز از کشورهای اروپایی و آمریکا بوده‌اند. عربستان سعودی به لحاظ سیاسی اولویت زیادی را به مقابله با تفکرات افراطی و تروریسم می‌دهد؛ به‌ویژه نزدیک به سه دهه است که دنیا شاهد ترویج خشونت و ترویج ریشه‌های رادیکالیسم در منطقه است و با ورود داعش به صحنه، این خشم و این عقده مذهبی عمیق‌تر شده و نطفه و نفاق را بیش از پیش پاشیده است. امروز خاورمیانه روی خونی می‌غلطد که فرزندان دیرروز و امروز را در برابر کسانی که به حق یا به ناحق خون ریخته‌اند، متصلب می‌کند و آنها را وامی‌دارد تا برای گرفتن انتقام مصمم باشند. قاعدتاً یکی از مظاهر وجود و ترویج خشونت، همین زنده‌ماندن احساس حقارت‌ها و احساس نفاق و کینه‌هاست که با رفتن داعش به نحوی زنده خواهد ماند و احتمالاً تغییر کاربری خواهد داد. تنها راهی که تندروی و حس انتقام را از بین خواهد برد، آشتی ملی و گفت‌وگوی سیاسی و بازگشت آرامش است تا شاید در طول چند دهه، آثار شوم جنگ و جنگ‌افروزی از بین برود.

منبع: العربی الجدید

نگاه

خودزنی اقلیم کردستان عراق

فرشید جعفری

«مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان عراق، به دنبال توافق نشست احزاب کردی در هفتم ژوئن ۲۰۱۷، ۲۵ سپتامبر را زمان همه‌پرسی استقلال کردستان عراق اعلام کرد. به دنبال آن، دولت‌های ایران و ترکیه مخالفت صریح خود را با این تصمیم اعلام کردند. بارزانی در گفت‌وگوی مفصل با هفته‌نامه «فاین‌پالیسی» گفت که «اگر بازیگران بین‌المللی با این همه‌پرسی مخالفند، آنها درواقع مخالف یکی از ارزش‌های دموکراتیک خود؛ یعنی حق تعیین سرنوشت ملت‌ها از سوی خودشان هستند». در ارتباط با این همه‌پرسی ذکر چند نکته ضروری است:

۱- اعلام همه‌پرسی «استقلال» به معنای آن است که بارزانی به دنبال اقتدار عالی کردستان است؛ این اقتدار عالی یعنی نفی اقتدار دولت‌های دیگر؛ اعلام اینکه کردستان دولتی مستقل است و دیگر مرجعی فوق آن وجود ندارد و دولتی آزاد است که امور داخلی و خارجی خود را اداره می‌کند.

کردستان مایل است مطابق میل خود قانون اساسی وضع و هر قانونی را تصویب و سیستم اداری دلخواه خویش را انتخاب کند و آزادانه نوع تشکیلات نظامی خود را برای اهداف سیاست خارجی خود، برگزیند.

کردستان نمی‌خواهد در اعمال اقتدار، تابع دیگری باشد. کردستان می‌خواهد در پیشگاه حقوق بین‌الملل هم‌رتبه و نه تابع دولت‌های دیگر باشد و این به معنای برابری با دولت‌های دیگر است.



ازاین‌رو، کردستان در کنفرانس‌های بین‌المللی که برای تعیین قانونی جدید برای جامعه بین‌المللی وضع می‌شود، صرف‌نظر از اندازه، جمعیت و قدرتش به‌لحاظ قانون‌گذاری برابر با سایر دولت‌هاست. کردستان می‌خواهد بگوید بدون رضایت من، تصمیم شما (جامعه بین‌المللی) برای من الزام‌آور نیست. کردستان به دنبال حاکمیت است؛ یعنی همان مفهوم و پدیده‌ای که در اواخر قرن شانزدهم پدیدار شد و با پایان جنگ‌های ۳۰ ساله در اروپا در چارچوب «قرارداد وستفالی» به ابعابتی سیاسی تبدیل شد.

۲. اما اعلام همه‌پرسی برای استقلال اقلیم کردستان از سوی دولتی صورت می‌گیرد که در میان انواع مدل‌های دولتی، شرایط ویژه خود را دارد. عراق کنونی به دنبال جنگ اول جهانی و فروپاشی امپراتوری عثمانی، از قراردادن سه قطعه ناهمگون پازل آن امپراتوری؛ یعنی موصل، بغداد و بصره در کنار هم از سوی بریتانیا شکل گرفت؛ سه قطعه‌ای که دو شکاف عمیق قومی و مذهبی را در جوهر خود داشت؛ شکاف قومی کردها و اعراب و شکاف مذهبی شیعیان و سنی‌ها.

این شکاف‌ها در تاریخ سیاسی و اجتماعی عراق «حکمرانی» خوب را برای دولت مرکزی همواره دشوار کرده است، به‌طوری‌که عراق هرگز نتوانسته به ایده ایده‌آل مدل «ملت – دولت» دست یابد؛ مدلی که ملت پیش از دولت قرار داشته باشد و وفاداری ژرف ملت به دولت مرکزی را موجب شود. ازاین‌رو، می‌توان مدعی بود که عراق به‌عنوان یک مدل «دولت – ملت» مطرح بوده است که در حل مسئله ملت ناکام مانده که نتیجه آن بی‌ثباتی، کشمکش داخلی و در نهایت اعلام همه‌پرسی استقلال یکی از این قطعه‌های ناهمگون پازل؛ یعنی اقلیم کردستان است. جامعه کرد به خاورمیانه به‌عنوان یکی از جوامع بی‌دولت همواره به دنبال کسب استقلال بوده، اما استقلال آنها در شرایط کنونی آثار مثبتی برای خاورمیانه و کردستان از منظر اصول سیاست بین‌الملل نخواهد داشت.

۳. اگر فرض را بر این بگیریم که این همه‌پرسی رای به استقلال داد و دولت کردستان تأسیس شد و مورد شناسایی حقوقی دولت‌های دیگر نیز قرار گرفت، شکل این دولت منطق با مدل «ملت – دولت» در تضاد است؛ «دولت» ملت، نخواهد بود؛ بلکه شکل سومی از مدل دولت؛ یعنی «بخش – ملت» دولت» خواهد بود؛ یعنی کردستان دولتی خواهد بود که به‌عنوان یک ملت-دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد، اما بخشی از ملتش به‌عنوان یک اقلیت در بیرون از مرزهایش در دولت‌های همسایه زندگی می‌کنند. این مسئله از چشم‌انداز سیاست بین‌الملل بی‌ثباتی مفرط و دامنه‌داری را در منطقه خاورمیانه رقم می‌زند و چیدمان قدرت در منطقه را به‌هم می‌ریزد.

استقلال داد و دولت کردستان تأسیس شد و مورد شناسایی حقوقی دولت‌های دیگر نیز قرار گرفت، شکل این دولت منطق با مدل «ملت – دولت» در تضاد است؛ «دولت» ملت، نخواهد بود؛ بلکه شکل سومی از مدل دولت؛ یعنی «بخش – ملت» دولت» خواهد بود؛ یعنی کردستان دولتی خواهد بود که به‌عنوان یک ملت-دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد، اما بخشی از ملتش به‌عنوان یک اقلیت در بیرون از مرزهایش در دولت‌های همسایه زندگی می‌کنند. این مسئله از چشم‌انداز سیاست بین‌الملل بی‌ثباتی مفرط و دامنه‌داری را در منطقه خاورمیانه رقم می‌زند و چیدمان قدرت در منطقه را به‌هم می‌ریزد. استقلال اقلیم کردستان، میل به جدایی مناطق دیگر کردنشین را افزایش می‌دهد و این به معنای تهدید مهم‌ترین منفعت حیاتی آنها؛ یعنی اصل بقا و حفظ تمامیت ارضی است. بنابراین از آنجایی که اقلیم کردستان از شرق (ایران) و غرب (سوریه) و شمال (ترکیه) محصور در این دولت‌ها خواهد بود، در طول حیات خود نه به‌عنوان یک دولت دوست یا یک دولت رقیب، بلکه به‌عنوان یک دولت دشمن که منفعت حیاتی آنها را نشانه رفته است، تلقی می‌شود. به‌همین‌دلیل انتظار می‌رود زمینه‌های وضعیت بحرانی و جنگ گریبان این دولت تازه‌تأسیس را بگیرد و راه توسعه و پیشرفت می‌هم‌اکنون در چارچوب دولت عراق در پیش گرفته است. با موانع جدی مواجه کن.

با توجه به اینکه وضعیت صلح و امنیت در عراق به‌واسطه ظهور داعش در هاله‌ای از ابهام است، اتخاذ موضع مخالف دولت‌های همسایه نسبت به این همه‌پرسی و متن بحرانی خاورمیانه، اعلام استقلال اقلیم کردستان عراق، خودزنی برای مردم بزرگ کرد محسوب می‌شود.

وزارت آموزش‌وپرورش عربستان هدف این

وزارتخانه را «تربیت شخصیت یک دانش‌آموز اسلامی، ملی، اندیشه‌ور و با‌بهارت» می‌داند. در